

اخلاقی و اقتصادی برای این کمک دولت‌های اروپایی هرچه باشد، آنها باید به این نکته دقت کنند که این کمک‌ها نسبت به افزایش، بازده سیاسی کمی به همراه خواهند داشت.

چندجانبه‌گرایی موثر در جهان نو وستفالی

هنگامی که مقامات اتحادیه اروپا راهبرد امنیتی ۲۰۰۳ اروپا را می‌نوشتند، از آسیب‌هایی که جنگ عراق به‌خصوص به سازمان ملل متحد و برداشت از اروپا به عنوان یک نیروی منسجم در جهان، وارد کرده بود آگاه بودند. پس تعجب آور نیست که این راهبرد توجه ویژه‌ای به تجدید حیات «چندجانبه‌گرایی موثر» با محوریت سازمان ملل متحد داشته باشد. کشورهای عضو اتحادیه اروپا این اهداف راهبردی را جدی گرفته‌اند؛ این جدیت

که بر نفوذ اروپا تأثیر گذاشته است. بااین‌حال، حتی هنگامی که اتحادیه اروپا تلاش می‌کند تا با استفاده از باقیمانده توان کمک‌های اقتصادی خود برای دستیابی به اهداف صریح سیاسی عمل کند، دیگر عملگرهای هزینه‌کننده باعث نادیده گرفته شدن آن می‌شوند. به‌عنوان مثال، هنگامی که اتحادیه اروپا از قطع کمک‌های مالی به مصر در پاسخ به کودتای تابستان نمود، عربستان سعودی و دیگر کشورهای عرب خلیج [فارس] پیشنهاد تأمین منابع مالی جایگزین را نمودند. در حالی که اتحادیه اروپا، در سال ۲۰۱۱، نسبتاً به سرعت به سرکوب‌های دولت سوریه با تحریم پاسخ داد، ایران و روسیه راه‌هایی را برای سرپا نگه داشتن اقتصاد ضعیف دمشق یافتند. در حالی که اتحادیه اروپا بیش از یک

فزاینده‌ای به خودباوری رسیده‌اند و کمتر مایل به پایه‌ریزی سیاست‌های خود براساس روابط با غرب هستند، سرمایه رو به اضمحلالی است. این نکته مانعی عمده بر سر هر راهبرد مبتنی بر صدور ارزش‌های و مدل اروپایی به کشورهای همسایه اتحادیه اروپا و یا کشورهای دورتر است. اتحادیه اروپا نباید از ارزشهای خود دست بکشد. اما شدیداً نیازمند آن است تا درباره روش‌های پیش‌بردن آنها در سال‌های پیش‌رو که رقابت ایدئولوژیکی، اقتصادی و سیاسی در هر دو همسایگی شرقی و جنوبی آن شدت دارد، یا در حال رشد است، تجدیدنظر کند.

کمک‌های توسعه‌ای و اقتصادی به عنوان اهرم نفوذ در عصر هزینه‌کننده‌های بزرگ



کشورهای عضو اتحادیه اروپا مایل به استفاده از دسترسی به اقتصاد اتحادیه به عنوان یک ابزار سیاسی هستند

علی‌الخصوص با سرمایه‌گذاری در سازمان ملل که گزارش سال ۲۰۰۸ را اجرای راهبرد امنیتی اروپا آن را «اوج نظام بین‌المللی» نامیده است، گسترده‌تر شد. این گزارش همچنین تأکید سازمانی را گسترش داده و بر نیاز اروپا و قدرت‌های در حال ظهور به سرمایه‌گذاری در مؤسسات مالی بین‌المللی و G۲۰ تأکید می‌کند.

با این حال، اروپایی‌ها به‌طور فزاینده‌ای از آمادگی قدرت‌های روبه‌رشد برای استفاده از سازمان ملل متحد و مؤسسات دیگر به‌عنوان وسیله‌ای برای مقابله با جاه‌طلبی‌های غربی ناامید شده‌اند. در دهه پس از تئیه راهبرد امنیتی اروپا، فرانسه و انگلستان دائماً در سازمان ملل متحد برای برقراری ثبات در مستعمرات سابق مانند لبنان، مالی و سودان رو کرده‌اند. گروه‌های اعزامی امنیتی اتحادیه اروپا

دهه بودجه جمهوری دموکراتیک کنگو را تأمین می‌کرد، این کشور، به‌خاطر وعده‌های مالی چین، به آن اظهار ارادت کرده است و بارها و بارها خواسته‌های غربی‌ها را برای بهبود حکومت نادیده گرفته است. در مواجهه با انتقادات داخلی درباره مقدار پولی که در دوره ریاضت اقتصادی به خارج می‌رود، سیاست‌گذاران اروپا به‌طور فزاینده‌ای درباره نحوه توزیع آنها از خود وسواس (سرسختی) نشان می‌دهند. آنها به احتمال زیاد ترجیح می‌دهند که این موارد صرف جلوگیری از تبدیل کشورهای ضعیف به پایگاه‌های بالقوه تروریستی، یا برای تسهیل روابط تجاری با اقتصادهای در حال رشد شود. بااین‌وجود هنوز هم رگه‌های نوع‌دوستانه‌ای در سیاست‌های کمکی برای ریشه‌کن کردن فقر شدید تا سال ۲۰۳۰ وجود دارد. اما انگیزه

در مصر و دیگر کشورهای در حال ظهور از انقلاب‌های عربی، اتحادیه اروپا باید محدودیت‌های ابزارهای مالی خود را برای شکل دادن به جوامع دیگر بشناسد. کشورهای عضو اتحادیه اروپا به‌عنوان بزرگ‌ترین اهداکنندگان کمک‌های توسعه‌ای در جهان به خود می‌بالند و همچنان مایل به استفاده از دسترسی به اقتصاد اتحادیه اروپا به عنوان یک ابزار سیاسی هستند. اما اگرچه اتحادیه اروپا هنوز برخی از نفوذهای اقتصادی خود را درمقابل برخی از همسایگان از جمله اوکراین حفظ کرده است، اما این نفوذ در خاورمیانه و شمال آفریقا بسیار کمتر است. این مسئله تا حدودی، در شرایط بحرانی اروپا، به‌دلیل کاهش‌های بزرگ در کمک‌های توسعه‌ای کشورهای عضو و عدم بازتنظیم برنامه‌های کمکی برای نیل به اهداف سیاسی در آنهاست